


## DISCUSSION

---

These topics are related to the conversations by the same number.

1. Become familiar with the discussion topic by reading the English title.
2. Try to recall related vocabulary that you learned in previous lessons.
3. Read the Dari introduction that leads up to the discussion question.
4.  Listen to a native speaker who shares his/her opinion with you.
5. Respond to the native speaker's comment by agreeing, disagreeing, or suggesting a different perspective. Useful vocabulary is provided.
6. Encourage others to also respond. Work in pairs, small groups, or as a whole class.
7. Summarize the outcome of your discussion.

## TOPIC 1

### The Protocols of Traditional Afghan Parties

در فرهنگ افغانها، مهمانداری، مهمان نوازی و تهیه کردن غذاهای متنوع و فراوان برای مهمانان، اهمیت زیاد دارد. ترتیب دادن عروسیها، شیرینی خوریها، سالگره ها و دیگر محافل بزرگ اکثراً مصارف زیاد را ایجاب میکند. کسانی که همچو مهمانیها را برگزار میکنند، به خاطر رقابت ها و سیالدارای های بیجا، بعضاً مجبور به گرفتن قرض و وام میشوند.

به نظر شما، چگونه میتوان از اینگونه مصارف بیجا جلوگیری کرد؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

مهمانی [ = دعوت ]	party / invitation
مهمان	guest
صاحب خانه [ = میزبان ]	host
مهمان نوازی	hospitality
غذا [ = طعام ] [ = خوراک ]	food / meal
نوشابه ها [ = نوشیدنی ها ]	beverages / drinks
سالاد [ = سلاته ]	salad
شیرینی بعد از غذا	dessert
رقابت [ = سیالداری ]	competition
اسراف ( ایله خرچی )	extravagance
مصارف [ = مخارج ]	expenses
قرض [ = وام ] [ = قرضه ]	loan
نظر [ = عقیده ]	opinion
بیجا	unnecessary / improper
متنوع [ = گوناگون ] [ = مختلف ]	various
سخی	generous
خسیس ( سخت )	stingy
مهمان کردن [ = دعوت کردن ]	to invite
پذیرایی کردن	to receive / to welcome (a guest)
تهیه کردن (تیار کردن) (درست کردن)	to prepare
ترتیب دادن [ = برگذار کردن ]	to arrange / to organize
جلوگیری کردن	to avoid / to prevent

## TOPIC 2

### The Minimal Participation of Afghan Men in Housework

در فرهنگ افغانها، آشپزی و پختن غذا معمولاً وظیفه زنان شمرده میشود و مردان فامیل کمتر به آشپزی و دیگر کارهای خانه دست میزنند.  
نظر شما در مورد اشتراک مردان در امور منزل و همکاری آنها با زنان چیست؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

فرهنگ [ = کلتور ]	culture
همکاری	cooperation
کار [ = وظیفه ]	job / duty / work
کارهای خانه [ = امور منزل ]	chores / housework
آشپزی [ = پخت و پز ]	cooking
پاک کاری	cleaning
جارو کردن	sweeping
ظرف شویی [ = شستن ظرفها ]	washing dishes
کالا شویی [ = شستن لباسها ]	doing laundry
پرورش اطفال [ = تربیه اولادها ]	raising children
مساوی [ = برابر ] [ = یکسان ]	equal
فرق داشتن [ = تفاوت داشتن ] [ متفاوت بودن ]	to differ / to be different
سودا خریدن [ = خرید کردن ]	to shop
تقسیم کردن	to divide
اشتراک کردن [ = سهم گرفتن ]	to participate / to take part
کمک کردن	to help / to assist
همکاری کردن	to cooperate

### TOPIC 3

## Arranged Marriages

یکی از مشکلات عمدهٔ جوانان ما در افغانستان ازدواج و انتخاب همسر است. در فرهنگ افغانها، اکثراً ازدواج دوجوان بر اساس انتخاب و رضائیت والدین صورت میگیرد و جوانها چاره ای جز قبول آن ندارند. نظر شما در مورد ازدواجهای اجباری جوانان چیست؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

انتخاب	choice
همسر	spouse
محبت [ = عشق ] [ = دوستی ]	love
رضائیت	consent / agreement
والدین [ = پدر و مادر ]	parents
اقارب [ = خویشاوندان ]	relatives
جوانان	youth
قبول	acceptance
چاره	choice
ازدواج اجباری	arranged marriage / forced marriage
نامزد	fiancé
نامزدی	engagement
عروس	bride
داماد	groom
جشن عروسی	wedding celebration
مشوره	advice
نظر	opinion
تفاهم	mutual understanding
موافقه	agreement
احترام	respect
اعتماد	trust / confidence
خواستگاری	marriage proposal
خواستگاری کردن [ = طلبگاری کردن ]	to propose (marriage)
ازدواج کردن	to marry
مشوره دادن	to advise
مجبور ساختن [ = مجبور کردن ]	to force
درک کردن	to understand
توافق داشتن	to be compatible / to be in agreement
احترام داشتن [ = احترام کردن ]	to respect

## TOPIC 4

### Women's Rights in Afghanistan

قسمیکه میدانید، حقوق زن در افغانستان برای سال های دراز پامال شده بود. خصوصاً در زمان طالبان، دختران و زنان حق نداشتند که به مکتب بروند یا در بیرون خانه کار کنند. با رویکار آمدن حکومت جدید و ایجاد قانون اساسی نو، زنان افغان حق تحصیل و کار و فعالیت در بیرون منزل را دوباره بدست آوردند. به نظر شما، زنان افغان در مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چه نقشی میتوانند داشته باشند؟

### Discussion





## Useful Vocabulary

حق	right
حقوق	rights
انسان	human / human being
انسانی	humane
قانون اساسی	constitution
مسائل	issues / matters
امور [ = کارها ]	affairs
نقش	role
جامعه [ = اجتماع ]	society
موفقیت [ = کامیابی ]	success
عدم موفقیت [ = ناکامی ]	failure
پیشرفت [ = ترقی ]	progress
اشتراک [ = مشارکت ]	participation / contribution
عدالت [ = انصاف ]	justice / fairness
بیعدالتی [ = بی انصافی ]	injustice / unfairness
ستم [ = ظلم ]	oppression / tyranny / cruelty / abuse
جنس	gender / sex
استعداد	talent
آزادی	freedom
تفوق [ = برتری ]	superiority / dominance
مساوات [ = برابری ]	equality
تبعیض	discrimination
محروم	deprived
مرد سالاری	male dominance
محکوم	condemned / convicted
تقصیر	fault
پامال شدن [ = زیرپا شدن ]	to be suppressed
رویگار آمدن	to emerge / to be established
لذت بردن [ = محظوظ شدن ]	to enjoy

## TOPIC 5

### Nomads Deprived of an Education

کوچیه‌ها که از قوم پشتون بوده و به زبان پشتو صحبت می‌کنند، هیچوقت در یک ساحه به شکل دائمی زندگی نمی‌کنند. آنها در فصل‌های مختلف سال، به جاهای مختلف کوچ می‌کنند. به همین سبب، آنها از رفتن به مکتب و پوهنتون محروم هستند. به نظر شما چگونه می‌توانیم برای کوچی‌ها امکانات زندگی ثابت را فراهم کنیم؟ و هم چطور می‌توانیم آنها را به آموختن علم و دانش تشویق نمائیم؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

سواد	literacy
سواد آموزی	teaching to read and write
تحصیل [ = تعلیم و تربیه ]	education
فرصت [ = چانس ]	opportunity / chance
تبلیغ	propaganda
فواید	benefits / advantages
نواقص	disadvantages
نظم	order
زمین	land
زراعت	agriculture
مالداری	raising livestock
باسواد	literate
بیسواد	illiterate
راحت	comfortable
مؤقتی	temporary
دایمی	permanent
ثابت	stable
کوچ کردن	to move
تشویق کردن	to encourage
همکاری کردن	to cooperate
توزیع کردن	to distribute
فراهم کردن [ = میسر ساختن ]	to provide

## TOPIC 6

### Animals as Transport

مردم در افغانستان برای انتقال دادن بار و رفتن از یکجا به جای دیگر، علاوه بر اینکه از وسایط باربری مثل موترهای لاری، پیکپ و غیره استفاده میکنند، از بعضی حیوانات مانند شتر، اسب، خر و قاطر نیز کار میگیرند. لطفاً نظر خویش را دربارهٔ جنبه های مثبت و منفی این کار ابراز کنید.

### Discussion



## Useful Vocabulary

راه خامه	dirt road
سرک پخته [ = سرک قیر ]	paved road
شاهراه	highway
شبکه	network
وسایط نقلیه	vehicles / means of transportation
مقدار [ = کمیت ]	quantity
بار	load
اراضی	terrain
اقلیم	climate
آب و هوا	weather
یخبندان	freezing weather
برفباری	snowfall
سیل [ = سیلاب ]	flood
حوادث طبیعی	natural disasters
کوهستانی	mountainous
مرتفع	high / elevated
صعب العبور [ = دشوار ]	rugged / difficult
غیر قابل عبور	impassible
اقتصادی	economical
غیر اقتصادی	uneconomical
ابراز کردن [ = بیان داشتن ]	to express / to state
انتقال دادن	to transport
کارگرفتن [ = استفاده کردن ] [ = استعمال کردن ]	to use / to utilize
ایستاد شدن [ = از کار بازماندن ]	to stall / to break down

## TOPIC 7

### The Importance of Pasteurizing Dairy Products

در افغانستان، محصولات شیری یا لبنیات معمولاً پاستوریزه نیست. شیر، ماست، پنیر، مسکه و غیره اکثراً در خانه ها یا فارم های کوچک تهیه گردیده و به شکل طبیعی یعنی بدون پاستوریزه شدن به بازار آورده می شوند. بعضی اوقات، مردم از خوردن همچو محصولات مریض میشوند.

به عقیده شما، طبیعی بودن لبنیات مهمتر است یا پاستوریزه شدن آنها؟ و چرا چنین فکر میکنید؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

محصولات شیری [ = لبنیات ]	dairy products
شیر	milk
ماست	yogurt
پنیر	cheese
مسکه	butter
قیماق	cream
مکروب	germ / microbe
مرض	disease
امراض	diseases
مرض سل [ = توبرکلوز ]	tuberculosis
توجه	attention
گوناگون [ = مختلف ] [ = متنوع ]	various
صحي	healthy
مفيد	useful / beneficial
مضر	harmful
لذيذ [ = خوشمزه ]	delicious / tasty
محتاط	careful / cautious
مريض شدن	to get sick
جوش دادن	to boil

## TOPIC 8

### Recruitment for the New Army

با گذشت هر روز، وضع امنیت در افغانستان بهتر میشود. دولت اینکشور بخاطر ایجاد اردوی جدید به جلب و جذب نیروی جوان ضرورت دارد. درحالیکه مخالفین حکومت برعکس، مردم را به فرار از خدمت عسکری مجبور میکنند. به فکر شما، دولت چگونه میتواند جوانان را برای پیوستن به اردو تشویق کند؟

### Discussion





## Useful Vocabulary

امنیت	security
صلح [ = آرامش ]	peace
استقرار [ = ثبات ]	stability
نظم	order
دفاع	defense
حفاظت [ = حر است ] [ = نگهداری ]	protection
استقلال [ = آزادی ]	independence
وطن	homeland / native country
قانون	law
صداقت [ = راستکاری ] [ = امانت داری ]	honesty
شرف [ = افتخار ]	honor
جلب و جذب [ = استخدام ]	recruitment
وظیفه	duty / obligation
مسئولیت	responsibility
مخالفین	opposition
فرار از خدمت عسکری	desertion
ایجاد	creation / making
برعکس	on the contrary
وفادار	loyal
صادق [ = راستکار ]	honest
مقدس	sacred
مغرب [ = با تجربه ]	experienced
پیوستن	to join / to enter / to enlist
تشویق کردن	to encourage
خدمت کردن	to serve
فخر کردن [ = افتخار کردن ] [ = بالیدن ]	to be proud / to take pride

## TOPIC 9

### Disarming Opposition Groups

در جریان سالهای اخیر، افغانستان با مشکلات و بحرانهای شدید سیاسی، نظامی و امنیتی روبرو بوده است. گروه های مسلح غیرمسئول که در هر گوشه و کنار مملکت به وجود آمده اند، بعضاً بخاطر حفظ منافع شخصی و گروهی شان با همدیگر زد و خورد میکنند. این زد و خوردها اکثراً باعث قتل مردم بیگناه و نابودی سرمایه های ملی میشود. به نظر شما، دولت چطور میتواند از این بینظمی ها جلوگیری کرده و گروه های مسلح مخالف را خلع سلاح نماید؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

بحران	crisis
منفعت [ = مفاد ]	interest
منافع	interests
زد و خورد	fight / clash / skirmish
باعث [ = سبب ] [ = دلیل ]	cause / reason
قتل	getting killed
نابودی [ = تخریب ]	destruction
سرمایه ملی	national wealth
استعداد	talent
قابلیت [ = توانایی ]	capability
اعتماد	trust
بیگناه	innocent
بیکار	jobless / unemployed
مسئول	responsible
غیرمسئول	irresponsible
تحصیل کرده	educated
بی تحصیل	uneducated
فساد	corruption
رشوت [ = رشوه ]	bribe
رشوتخواری [ = رشوه خواری ]	bribery
بیکاری	unemployment / joblessness
کاریابی	employment
محاكمه	trial
مجازات	punishment
ویران کردن [ = خراب کردن ]	to destroy
جلوگیری کردن	to prevent
خلع سلاح کردن	to disarm
دستگیر کردن [ = گرفتار کردن ]	to arrest / to capture

## TOPIC 10

### Military Personnel with Beards

قسمیکه دیده میشود، در حال حاضر، تعداد زیادی از افسران و سربازان اردو و پولیس افغانستان میتوانند ریش بگذارند. در حالیکه در گذشته، برای منسوبین عسکری و پولیس داشتن ریش و موی دراز بکلی ممنوع بود. به نظر شما، برای افراد نظامی و امنیتی، گذاشتن ریش بهتر است یا تراشیدن آن؟ و چرا؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

ریش	beard
بروت	mustache
نظافت	neatness / cleanliness
ایمان [ = عقیده ] [ = اعتقاد ] [ = باور ]	faith / belief
حفظ الصحه	hygiene
صحت [ = سلامتی ] [ = تندرستی ]	health
قیافه [ = ظاهر ]	appearance
یونیفورم عسکری	military uniform
یکسانی [ = یکشکلی ]	uniformity
انضباط [ = دسپلین ]	discipline
قواعد	rules
مقررات	regulations
ممنوع	prohibited / forbidden
نظیف [ = پاک ]	clean / neat
منظم	orderly / well-kept
ریش گذاشتن	to grow a beard
تراشیدن	to shave
ناخن گرفتن [ = گرفتن ناخن ها ]	to clip one's nails
فرق داشتن [ = تفاوت داشتن ]	to differ / to be different
نگهداشتن	to maintain / to keep

## TOPIC 11

### How to Prevent the Taliban's Terrorist Activities

با وجود اینکه از سقوط حکومت طالبان مدت زیادی گذشته است، ولی باز هم گروه های مسلح تروریستی به فعالیتهای خرابکارانه شان علیه حکومت منتخب مردم در افغانستان و نیروهای ائتلاف بین المللی کمک به امنیت (آیساف) به رهبری امریکا ادامه میدهند. به عقیده شما، دولت چگونه میتواند جلوفعالیت های خرابکارانه طالبان را بگیرد؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

سقوط	fall / downfall / collapse
فعالیت	activity / act
خرابکاری [ = اخلاصگری ]	sabotage / causing trouble
خرابکار [ = اخلاصگر ]	terrorist / saboteur
دهشت افگنی [ = تروریسم ]	terrorism
حکومت منتخب	elected government
ائتلاف	coalition
رهبری	leadership
فقر	poverty
بیسوادی	illiteracy
بیعدالتی	injustice
خودخواهی	selfishness
خوشباوری	lack of caution
عقاید	beliefs
احساسات	emotions / feelings
رشد	growth
انکشاف	development
شورش [ = بغاوت ]	insurgency
اشرار [ = شورشیان ]	insurgents / rebels
مذهبی	religious
ادامه دادن [ = دوام دادن ]	to continue
پشتیبانی کردن [ = حمایت کردن ]	to support
تحریک کردن	to instigate
جلوگیری کردن [ = جلوگیری را گرفتن ]	to prevent

## TOPIC 12

### Lack of a Central Government Weakens Security

وقتیکه در یک کشور حکومت واحد مرکزی وجود نداشته باشد، یا قدرت دولتی ضعیف شود، وضع امنیتی خراب می گردد. در چنین حالات، دزدان و راهزنان به جان، مال و ناموس مردم بی دفاع حمله کرده دارایی های شان را چوروچپاول میکنند. به نظر شما، چگونه میتوان از وقوع همچو بینظمی ها جلوگیری کرد؟

### Discussion





## Useful Vocabulary

حکومت مرکزی	central government
قدرت	power
وضع امنیتی	security situation
حالات [ = شرایط ]	conditions
واحد [ = مجرد ]	single
دزدان [ = سارقین ]	thieves
راهزنان	bandits / highway robbers / outlaws
چوروچپاول	plunder / loot
بینظمی	disorder / lack of order
آرامش [ = صلح ]	peace
نظم	order
اسلحه [ = سلاحها ]	weapons
گزمه	patrol
پهره دار [ = محافظ ]	sentry / watchman / security guard
آماده باش	alert
همکاری	cooperation
پشتیبانی [ = حمایت ]	support
مردم	people
افراد	individuals
مسلح	armed
وقوع	happening / occurrence
حمله کردن [ = تعرض کردن ]	to attack
ضعیف شدن	to weaken / to become weak
تقویه کردن	to strengthen
جمع آوری کردن [ = جمع کردن ]	to collect
جلب کردن	to draw (attention)

### TOPIC 13

#### Afghanistan's Topography Is not Conducive to Swift Disaster Relief

شما میدانید که افغانستان یک کشور کوهستانی و زلزله خیز است. موقعیت جغرافیائی و ساختمان اراضی افغانستان هنگام وقوع حوادث طبیعی از قبیل سیلاب، زلزله و غیره مشکلات و موانع بزرگ را در راه رساندن و توزیع مواد امدادی به مصیبت رسیدگان در مناطق آسیب رسیده ایجاد میکند. اگر شما مسئول توزیع مواد امدادی صلیب سرخ باشید، از چه امکانات استفاده میکنید و کدام راه های حل را پیشنهاد مینمایید؟

#### Discussion



## Useful Vocabulary

موقعیت جغرافیایی	geographic location
ساختمان	structure
اراضی	terrain
حوادث طبیعی	natural disasters
مشکلات	problems
موانع	obstacles
توزیع	distribution
مصبیت رسیدگان [ = مصیبت زدگان ]	victims of disasters
مناطق آسیب رسیده [ = مناطق آسیب دیده ]	affected areas / disaster-hit areas
تلفات	casualties
زخمیها [ = مجروحین ]	the wounded / injured
مردگان [ = مرده ها ]	the dead
اجساد	bodies / corpses
مواد امدادی	aid supplies
غذا	food
آب آشامیدنی	potable water
دوا [ = دارو ]	medicine
کمک اولیه	first aid
سرپناه	shelter
خیمه	tent
کمپل	blanket
حیوانات اهلی	domestic animals
هلیکوپتر	helicopter
صلیب سرخ	Red Cross
سره میانشت	Red Crescent
کوهستانی	mountainous
زلزله خیز	prone to having earthquakes
ایجاد کردن [ = به وجود آوردن ]	to create
پیشنهاد کردن	to recommend / to suggest
رساندن	to deliver
توزیع کردن	to distribute

## TOPIC 14

### The Importance of Having a Sufficient Number of Airports

داشتن میدانهای هوایی مجهز و پیشرفته از لازمه های عمده زندگی امروزی به شمار می‌رود.  
با در نظر داشت شرایط اقتصادی و جغرافیایی افغانستان، لطفاً بگویید که داشتن میدان های هوایی عصری و مجهز، چه سهولت هایی را در زندگی مردم آن کشور فراهم میسازد؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

لازمه	requirement
عمده	main / principal
شرایط	conditions
سهولت	facility
سفر [ = مسافرت ]	travel / journey / trip
حمل و نقل [ = نقلیات ]	transportation
سرعت	speed
تجارت	trade / business
اموال تجارتي	commercial goods
واردات	imports
صادرات	exports
سياح [ = جهانگرد ] [ = توریست ]	tourist
سياحت [ = جهانگردی ] [ = توریزم ]	tourism
اقتصادی	economic / economical
عصری	modern
مجهز	equipped
پیشرفته	advanced
راحت [ = آرام ]	comfortable
مهم	important
گنجایش [ = ظرفیت ]	capacity
موقعیت	location
فراهم کردن	to provide
آسان ساختن	to facilitate
سفر کردن [ = مسافرت کردن ]	to travel

**TOPIC 15****The Increasing Number of Landmine Victims in Afghanistan**

افغانستان پس از اشغال شوروی و جنگ داخلی طولانی، به یک سرزمین خطرناک پراز مین مبدل شده است. همه روزه، یک تعداد مردم بیگناه در اثر انفجار این مینها، جان و یا اعضای بدن شان را از دست میدهند و روزه روز، شمار معیوبین در این کشور بیشتر میشود.

به نظر شما، چگونه میتوانیم از تلفات مردم در اثر انفجار مین جلوگیری کنیم؟

**Discussion**

## Useful Vocabulary

اشغال	occupation / invasion
شوروی [ = اتحاد شوروی ]	(former) Soviet Union
جنگ داخلی	civil war
سرزمین	land / territory
انفجار	explosion
جان [ = نفس ] [ = روح ]	life / soul
اعضای بدن	limbs / organs
کشتزارمین	mine field
تربیه [ = تعلیم ]	training
رفت و آمد [ = تردد ]	traffic
ده [ = قریه ]	village
چراگاه	pasture
چوپان	shepherd
دهقان	farmer
مناطق ممنوعه	restricted areas
تلفات	casualties
تبلیغات	publicity
علامه [ = نشانی ]	mark / marking
لوحة [ = اشاره ]	sign
مبدل	changed
معیوب [ = معلول ]	disabled / handicapped / invalid
طولانی [ = دراز ]	long
خطرناک	dangerous
بیگناه	innocent
ملکی	civil / civilian
از دست دادن	to lose
علامه گذاری کردن [ = نشانی کردن ]	to mark
تبلیغات کردن	to publicize
آگاهی دادن	to inform / to make aware

## TOPIC 16

### The Advantages of Speaking the Local Language

طوريكه آگاهي داريد، يكتعداد زياد عساكر خارجي در افغانستان مشغول وظيف امنيتي، انگشافي وسائر خدمات بشري استند. بعضي از آنها ترجمان دارند ولي عده بيشتر شان شايد ترجمان نداشته باشند.

به فكر شما، دانستن زبان دري يا پشتو براي عساكر خارجي در افغانستان چه فايده دارد؟

### Discussion





## Useful Vocabulary

تماس	contact
ارتباط [ = مخابرات ]	communication
خدمات	services
احتیاجات [ = ضروریات ]	needs / necessities / requirements
کمک	help / assistance
همکاری	cooperation
مقصد	purpose
هدف	goal / target
فایده	benefit
ترجمان	interpreter
مترجم	translator
عساکر [ = سربازان ]	soldiers
وظایف	duties
امنیتی	security
انکشافی	development
بشری	humanitarian
خارجی	foreign
عمده	principal
اساسی	basic
مخصوصاً	especially
ترجمه کردن	to translate
ترجمانی کردن	to interpret
فهمیدن [ = دانستن ]	to understand
تماس گرفتن [ = به تماس شدن ]	to contact
کمک کردن	to help / to assist

## TOPIC 17

### The Positive and Negative Impacts of Night Curfew

شما میدانید که در زمان جنگ وحالات اضطراری، مقامات حکومتی اکثراً مقررات قیود شبگردی را وضع میکنند و مانع رفت و آمد مردم در ساعات معین شب میشوند. لطفاً راجع به تأثیرات مثبت و منفی قیود شبگردی بالای زندگی مردم، صحبت کنید.

#### Discussion



### Useful Vocabulary

حالت اضطراری	state of emergency
مقامات حکومتی	government authorities
مقررات	regulations
قیود گردش [ = قیود رفت و آمد ]	curfew
قیود شبگردی	night curfew
ساعات معین	certain hours
تأثیرات	impacts / effects
دسیسه [ توطئه ]	conspiracy
دشمن	enemy
زخمی [ = مجروح ]	wounded / injured
مریض	patient
عاجل	emergency / urgent
امنیت	security
آرامش [ = صلح ]	peace
نظم	order
واقعات [ = وقایع ]	incidents
آزادی	freedom
محدودیت	limitation
تخلف	violation
قانون شکنی	breaking the law
رفت و آمد [ = تردد ]	traffic
وضع کردن	to establish / to enforce
مانع شدن [ = منع کردن ]	to ban / to prohibit
تخلف کردن	to violate

## TOPIC 18

### Relief Supplies Improperly Distributed

صليب سرخ وساپرسازمان های خیریه بین المللی مقادیر زیاد مواد مختلف امدادی را برای استفاده مکاتب، یتیمخانه ها ومردم نیازمند، به افغانستان میفرستند ولی متأسفانه، اکثراً تمام این کمکها به مستحقین توزیع نمیشود. بعضی ها فساد اداری و بعضی دیگر مشکلات امنیتی را باعث ایجاد این مشکل میدانند. شما چه فکر میکند و چرا؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

سازمان	organization
مقادیر	quantities
مواد امدادی [ = کمکها ]	relief supplies
صلیب سرخ	Red Cross
مستحقین	deserving people
یتیم خانه	orphanage
مکاتب	schools
فساد اداری	government corruption
مشکلات امنیتی	security problems
مشکلات اقتصادی	economic problems
قحطی	famine
قیمتی [ = سطح بلند زندگی ]	high cost of living
عدم کنترل	lack of control
مسئولیت	responsibility
معاشات	salaries
امتیازات	benefits
افراد	individuals
خیریه	charitable
بین المللی	international
نیازمند [ = محتاج ]	needy
صادق [ = راستکار ]	honest
فاسد	corrupt
باعث [ = سبب ]	cause
متأسفانه [ = بد بختانه ]	unfortunately
استخدام کردن	to hire
مقرر کردن [ = گماشتن ]	to appoint
برطرف کردن [ = اخراج کردن ]	to fire

## TOPIC 19

### The Prevention of Abductions

اختطاف یا آدم ربایی یکی از پرابلمهای عمده بین المللی است که در هر جا میتواند اتفاق بیفتد. شما میدانید که در افغانستان نیز گاهگاه بعضی اشخاص خصوصاً افراد خارجی اختطاف شده اند و نیروهای امنیتی اینکشورتاکنون نتوانسته اند از وقوع همچوحوادث جلوگیری کنند.

به نظر شما، کدام عوامل سبب آدم ربایی میشود؟ و چگونه میتوان علیه آن مبارزه کرد؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

اختطاف [ = آدم ربایی ]	kidnapping / abduction
اشخاص [ = مردم ]	persons / people
نیروهای امنیتی	security forces
واقعات [ = وقایع ] [ = حوادث ]	incidents
عوامل	factors / causes
جرم	crime
رهایی	release
مبارزه	campaign / fight
تلاش [ = کوشش ]	attempt / effort
حفاظت [ = حراست ]	protection
تماس	contact
صبر [ = حوصله ]	patience / tolerance
غیرقانونی	illegal
دشوار [ = مشکل ] [ = سخت ]	difficult / hard
گاهگاه	once in a while / every now and then
خصوصاً [ = مخصوصاً ] [ = به ویژه ]	especially / particularly
علیه [ = برضد ]	against
اتفاق افتادن [ = واقع شدن ]	to happen / to occur
اختطاف کردن	to kidnap / to abduct
تبلیغات کردن	to publicize / to promote a cause
آگاهی دادن	to inform / to make aware
دستگیر کردن [ = گرفتار کردن ]	to arrest / to capture
مبارزه کردن	to fight / to campaign
تقویه کردن	to strengthen
حفاظت کردن [ = حراست کردن ]	to protect
آزاد کردن [ رها کردن ]	to free / to release

## TOPIC 20

### Divorce

در فرهنگ افغانها، طلاق یک عمل خوب و پسندیده نیست. حتی در حالاتیکه زندگی میان زن و شوهر بسیار مشکل و پر جنجال باشد، باز هم آنها به خاطر حفظ نام خانواده و آینده فرزندان شان، میکوشند این رابطه را نگهدارند و از جدایی و طلاق خود داری کنند. نظر شما درباره طلاق و تأثیر آن بر زندگی افراد خانواده چیست؟

### Discussion





## Useful Vocabulary

فرهنگ	culture
طلاق	divorce
جدایی	separation
عمل [ = کار ]	act / action / deed / practice
حفظ [ = نگهداشت ] [ = نگهداری ]	protection / maintenance
تأثیر	effect / impact
سرنوشت	fate
پرورش [ = تربیه ]	raising / upbringing
محبت [ = عشق ] [ = دوستی ]	love
خوشبختی [ = سعادت ]	happiness / good fortune
انتخاب	choice
تنهایی	loneliness
شرم	shame
بدنامی	ill repute / notoriety
پشیمانی	regret / remorse
پسندیده	praiseworthy / pleasing
پر جنجال	troublesome / full of trouble
بدخلق	ill-tempered / cranky
محروم	deprived
تنها	lonely / lonesome
اجتماعی	social
طلاق دادن [ = طلاق گرفتن ]	to divorce
نگهداشتن [ = حفظ کردن ]	to keep / to maintain
خود داری کردن [ = اجتناب کردن ]	to avoid
وابسته بودن [ = متکی بودن ]	to depend

## TOPIC 21

### Police Brutality

در افغانستان و بعضی از کشورهای روبه انکشاف، مامورین پولیس اکثرأ، افراد مظنون را قبل از ثابت شدن جرم شان مورد آلت و کوب قرار میدهند و همه حقوق مدنی آنها را نادیده میگیرند.  
در کشور شما رویهٔ پولیس با مظنونین و متهمین چطور است؟ لطفاً در این مورد کمی معلومات بدهید.

### Discussion



## Useful Vocabulary

کشورهای روبه انکشاف	developing countries
مامورین پولیس	police officers / police officials
مظنون	suspect
متهم	accused
ثبوت	proof
جرم	offense / crime
جنایت	major crime / felony
برخورد	treatment
لت وکوب	beating / battery
برخورد خشن [ = برخورد خشونت آمیز ]	brutality
شکنجه [ = زجر ]	torture
حقوق مدنی	civil rights
رویه [ = رفتار ]	behavior / conduct
تخلف [ = خلاف رفتاری ]	violation
دزد [ = سارق ]	thief
کارت هویت [ = ورقهٔ هویت ]	ID card
سلاح	weapon
تلاشی بدنی	body search
تحقیق	investigation
زندان [ = محبس ] [ = بندی خانه ]	jail / prison
مجرم	guilty of a crime
جنایی	criminal
جنایتکار [ = جانی ]	criminal / felon
انسانی	humane
غیر انسانی	inhumane
با احترام [ = احتراماً ] [ = محترمانه ]	with respect / respectfully
ثابت شدن	to be proven
لت وکوب کردن [ = مورد لت وکوب قرار دادن ]	to beat / to batter
شکنجه کردن [ = زجر دادن ]	torture
نادیده گرفتن	to ignore
احترام داشتن	to have respect (for)
احترام کردن [ = احترام داشتن ]	to respect

## TOPIC 22

### Measures to Safeguard Relief Supplies

بعضاً شنیده می شود که متأسفانه، تحویلخانه های مواد امدادی سازمان های خیریه بین المللی در افغانستان مورد سرقت قرار میگیرند. اگر شما مسؤول اداره و توزیع مواد امدادی میبودید، به خاطر حفاظت تحویلخانه ها و جلوگیری از سرقت مواد امدادی و سوء استفاده از آنها، چه تدابیری اتخاذ میکردید؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

مواد امدادی [ = کمکها ]	relief supplies
سازمانهای خیریه بین المللی	international charitable organizations
تحویلهانه	warehouse / storage
سوء استفاده	abuse / misuse / improper use
فساد	corruption
دزدی [ = سرقت ]	theft / burglary / robbery
اداره	administration
توزیع	distribution
تدابیر [ = تدبیرها ]	measures
همکاری	cooperation
کارکنان [ = کارمندان ] [ = مامورین ]	employees
حفاظت [ = حراست ] [ = نگهداری ]	protection
امنیت	security
محافظ [ = پهره دار ]	sentry / watchman / security guard
قفل ( قلف )	lock
سیم خاردار	barbed wire
محفوظ	safeguarded / protected
مسئول	in charge / responsible (for)
صادق [ = راستکار ]	honest
جلوگیری کردن [ = جلوگیری را گرفتن ]	to prevent
اتخاذ کردن [ = رویدست گرفتن ]	to take / to adopt
دزدی کردن [ = سرقت کردن ]	to steal / to rob / to burglarize
دزدی شدن [ = مورد سرقت قرار گرفتن ]	to be stolen
اعتماد کردن	to trust

## TOPIC 23

### The Importance of an ID Card

داشتن کارت هویت یکی از ضروریات عمدهٔ حیات امروزی است. ولی در افغانستان، اکثر مردم تذکره یا کارت هویت ندارند. به نظر شما، نداشتن کارت هویت چه مشکلاتی را در جامعه به وجود می آورد؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

هویت	identity
کارت هویت [ = ورقهٔ هویت ]	identification (ID) card
تذکره [ = تذکرهٔ نفوس ] [ = تذکرهٔ تابعیت ]	certificate of citizenship
عمده	main / principal / major
ضروریات [ = احتیاجات ]	needs / necessities / requirements
حیات [ = زندگی ]	life
جامعه [ = اجتماع ]	society / community
توزیع	distribution
پناهندگان [ = پناه‌گزینان ] [ = مهاجرین ]	refugees / immigrants
جعل‌کاری [ = تقلب ] [ = ساخته‌کاری ]	fraud / forgery
جعلی [ = تقلبی ]	fake / counterfeit
جنایتکار [ = جانی ]	criminal / felon
قاتل [ = آدمکش ]	murderer / assassin
فراری	fugitive / runaway / deserter
قربانی	victim
شناختن [ = تشخیص دادن ]	to identify
جلوگیری کردن [ = جلوگیری را گرفتن ]	to prevent
آسان ساختن	to facilitate
فراهم کردن [ = مهیا ساختن ] [ = تأمین کردن ]	to provide

## TOPIC 24

### Problems Caused by Owning and Carrying Weapons

د افغانستان، با وجود آنکه دولت مشغول جمع آوری اسلحه از افراد و گروه های مسلح می باشد، ولی باز هم بعضی اشخاص در منازل شان سلاح دارند یا به صورت غیرقانونی با خود سلاح حمل میکنند.

به عقیده شما، داشتن سلاح در خانه و یا حمل آن توسط اشخاص ملکی و غیرمسئول، چه مشکلاتی را به وجود آورده میتواند؟

### Discussion





## Useful Vocabulary

جمع آوری	collecting / gathering
اسلحه [ = سلاحها ]	weapons
گروههای مسلح	armed groups
اشرار [ = شورشیان ]	insurgents / rebels
منازل [ = خانه ها ]	homes / houses
بی احتیاطی	carelessness
بی نظمی	disorder / lack of order
اختلال [ = مزاحمت ]	disturbance
آرامش [ = صلح ]	peace
امنیت	security
جرائم	crimes
دزدی (سرقت) مسلحانه	armed robbery
قتل [ = آدمکشی ]	murder / homicide
اشخاص ملکی	civilian people
مسئول	responsible
غیرمسئول	irresponsible
بی تجربه	inexperienced
مسلکی [ = حرفوی ]	professional
مرکزی	central
قوی [ = نیرومند ]	powerful / strong
عادی [ = معمولی ]	ordinary
غیرقانونی [ = غیرمجاز ]	illegal / unlawful
خطرناک	dangerous
حمل کردن (گشتاندن)	to carry
به وجود آوردن [ = ایجاد کردن ]	to create / to make
جمع کردن [ = جمع آوری کردن ]	to collect / to gather
خلع سلاح کردن	to disarm

## TOPIC 25

### Failure of the Anti-Drug Campaign in Afghanistan

در افغانستان، کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدره یکی از مشکلات عمده و اساسی است که با وصف تلاشهای ملی و بین المللی، تا حال دولت افغانستان مؤفق به حل این مشکل نشده است. به اساس گزارشهای خبری، تعداد معتادین مواد مخدره در اینکشور، روز به روز، زیادتر میشود. به نظر شما، علت ناکامی این تلاشها چیست؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

کشت [ = کاشت ]	cultivation
خشخاش [ = خشخاش ]	poppy / poppy seed
قاچاق	smuggling
قاچاقبر [ = قاچاقچی ]	smuggler
شبکه	network
مواد مخدر [ = مواد مخدر ]	narcotics / drugs
تریاک	opium
چرس	hashish
اعتیاد	addiction
پول	money
هنگفت	enormous / excessive
فایده [ = منفعت ]	profit
گزارش خبری	news report
تلاش	effort / endeavor
حل	solution
مشکل [ = پرابلم ]	problem
کامیابی [ = موفقیت ]	success
ناکامی [ = عدم موفقیت ]	failure
جامعه [ = اجتماع ]	society / community
قوانین	laws
مقررات	regulations
غیرقانونی [ = غیرمجاز ]	illegal / unlawful
ملی	national
بین المللی	international
معتاد	addicted
موفق شدن [ = کامیاب شدن ]	to succeed
ناکام شدن	to fail
قاچاق کردن [ = قاچاق بردن ] [ = قاچاقبری کردن ]	to smuggle

## TOPIC 26

### Rehabilitation Programs in the Prison System

همه میدانیم که زندان جای راحتی برای زندگی کردن نیست. بندیها زندگی بسیار سخت وخسته کننده ای دارند. در بعضی کشورها، زندانیان علاوه بر آنکه اجازه ندارند در داخل محوطه زندان آزادانه به قدم زدن یا ورزش بپردازند، مجبور استند که بعضی کارهای جسمانی شاقه را نیز انجام دهند.

به فکر شما، چطور میتوانیم محیط زندان را طوری بسازیم که بندیها از یک طرف چیزی بیاموزند و از جانب دیگر سرگرمی های سالم داشته باشند؟

### Discussion



## Useful Vocabulary

زندان [ = بندیخانه ] [ = محبس ]	prison / jail
زندانی [ = بندی ] [ = محبوس ] [ = اسیر ]	prisoner
کار جسمانی [ = کار فیزیکی ]	physical work / labor
محوطه	enclosure / compound / yard
محیط	environment
سرگرمی [ = مشغولیت ]	pastime / hobby
شرایط [ = وضعیت ] [ = وضع ]	conditions / situation / status
ورزش [ = سپورت ]	sport
مطالعه [ = خواندن ]	reading
مجله	magazine
روزنامه (اخبار)	newspaper / paper
نشریات	publications
نشریات موقوته	periodicals
حرفه [ = پیشه ] [ = شغل ]	vocation / craft
حفظ الصحه	hygiene
صحت [ = سلامتی ] [ = تندرستی ]	health / wellbeing
نظافت	neatness / cleanliness
نور آفتاب [ = شعاع آفتاب ] [ = روشنایی آفتاب ]	sunshine
راحت [ = آرام ]	comfortable
خسته کننده	boring / tiresome / tedious
شاقه	hard / difficult
سالم	healthy / safe / sound
مفید	useful
آزادانه	freely
از یکطرف [ = از یکجانب ]	on the one hand
از طرف دیگر [ = از سوی دیگر ] [ = از جانب دیگر ]	on the other hand
اجازه داشتن	to be allowed / to be permitted
پرداختن	to engage in some activity
مجبور بودن	to be forced / to be compelled
[ = یاد دادن ] [ = درس دادن ]	to teach